

دوستی سپهر و پاشا

گلنوشا صحرا نورد

سپهر و پاشا دو تا دوستند که به قول خودشان چند تا وجه مشترک دارند. اول این که خانه هایشان در یک ساختمان است. دوم به یک مدرسه می روند. سوم هر کدام یک خواهر کوچولوی شیطون دارند. این دو تا پسر خوب هر روز با همدیگر به مدرسه می روند و به خانه برمی گردند. یک روز در راه یک گودال آبی توجیشان را جلب کرد که تبدیل به یک آینه شده بود و از هر طرف که در آن نگاه می کردند خودشان را می دیدند. سپهر و پاشا شکل های مختلف در می آوردند و می خندیدند. پاشا به سپهر گفت: چقدر جالبه. در آبی که روی زمین ریخته می توان عکس ها را مشاهده کرد. تو می دونی چطوری این اتفاق می افتد. سپهر گفت: باید از آقای موسوی درباره این مساله بپرسیم.

آقای موسوی معلم کلاس اولشان هست که بچه ها او را خیلی دوست دارند و تمام سوال هایشان را پاسخ می دهد. وقتی که به مدرسه رسیدند از آقای موسوی درباره آن سوال کردند. آقای معلم خندید و گفت: بچه های خوبم در آن گودال چون که آب ساکن است خاصیت انعکاس یا برگشت نور آن بوضوح دیده می شود و مانند آینه عمل می کند. به دلیل انعکاس نور در آب است که شما توانسته اید عکس خودتان را در آن گودال آب ببینید. آن روز پاشا و سپهر خوشحال بودند که چیزهای جدیدی یاد گرفته اند و تمام ساعت های تفریح درباره این موضوع باهم صحبت می کردند. در برگشت به خانه از کنار گودال رد شدند و دیدند که آب کمتر شده است. فردای آن روز وقتی که به مدرسه رسیدند به آقای معلم گفتند که آن گودال کوچک شده بود و دلیلش را از او پرسیدند.

معلم گفت: امروز زنگ آخر درباره این موضوع برایتان صحبت می کنم. زنگ آخر که زده شد آقای معلم پای تخته چند تا ابر و قطره های باران و بخار آب کشیده و گفت: بچه ها می دانید آب از یک سری ملکول تشکیل شده است که وقتی خورشید به زمین می تابد ذرات مایع آب تبدیل به ذرات گاز و بخار می شود یعنی آب تبخیر می شود و چون که سبک است، بطرف بالا می رود و تبدیل به ابر می شود و ابر به وسیله باد حرکت می کند و وقتی که در یک هوای سرد قرار می گیرد باعث می شود که ابر دوباره تبدیل به قطره های باران شود و به روی زمین بیارد. خوب بچه های نازنین در حال حاضر شما متوجه شدید که آب در آفتاب و با نور خورشید زودتر بخار می شود. سپهر و پاشا هم از آقای معلم تشکر کردند.

رویای حسن

حسن از اسباب بازی های قدیمی اش خسته شده بود. یک روز پدر حسن برایش توپ قشنگی خرید. او از دیدن آن خیلی خوشحال شد و شروع به بازی کرد. صبح روز بعد حسن توپش را برداشت و به حیاط رفت تا بازی کند. مادرش گفت بیا تو اتاق بازی کن. ممکنه اتفاقی برات بیفته! ناگهان حسن داخل حوض افتاد.

مادر حسن فوراً او را از توی حوض در آورد و لباس هایش را عوض کرد و با عصبانیت گفت: چند بار به تو گفتم تو حیاط نرو؟ حسن فهمیده بود که کار بدی کرده و پدرش عصبانی خواهد شد. حسنک سرمای سختی خورد و در بستر بیماری افتاد. وقتی پدر حسن از سر کار به خانه آمد و از ماجرا آگاه شد عصبانی شد و توپ را با چاقو پاره کرد.

از صدای ترکیدن توپ ناگهان حسن از خواب پرید و دید که تمام این ماجراها را در خواب دیده است. از این رو خواب خود را برای پدر و مادرش تعریف کرد و هر سه از این که این خواب واقعیت نداشته خوشحال شدند. دوستان خوبم یک نقاشی زیبا برای خواب حسن بکشید.



آموزش نقاشی

سلام دوستان خوب من

امروز می خواهم کشیدن یک لکوموتیو را به شما آموزش دهم. همان طور که می دانید لکوموتیو اولین بار در قرن ۱۹ با کوشش زیاد جمعی از مخترعین ساخته شد که تنها وسیله نقلیه سریع السیر نسبت به وسیله های آن زمان بود.

لکوموتیو اولیه با دیگ بخار حرکت می کرد و بخار آن از استوانه به وسیله دودکشی تخلیه می شد. لکوموتیو مورد پسند همه مردم واقع شده بود و در این زمان بود که اولین خط راه آهن کشیده شد. این ترن که در واقع نخستین ترن مسافری جهان بود، با سرعت ۲۰ کیلومتر در ساعت به حرکت درآمد و با پیشرفت زمان، لکوموتیو به قطارهای امروزی تبدیل شد.

برای کشیدن یک قطار ابتدا باید دو تا مستطیل یکی افقی یکی عمودی بکشیم بعد یک دایره بزرگ برای چرخ اصلی و دو تا دایره کوچک برای چرخ های دیگر آن می کشیم. بعد یک دوزنقه وارونه برای دودکش قطار ترسیم می کنیم و در آخر پنجره و آقای لکوموتیوران را می کشیم. برای کابین های مسافری لکوموتیو چند تا مستطیل و دایره های کوچک برای چرخ های آن هم می کشید. حالا بچه های نازنینم یک نقاشی قشنگ با لکوموتیو بکشید و برای ما به دفتر روزنامه ارسال کنید.

